

An Examination of the Perspective of Catholic Christian Theologians on the Presence of Women of Questionable Status in the Genealogy of Jesus Christ in the Gospel of Matthew

Seyyed Morteza Farizani¹

(Received on: 2025-02-23; Accepted on: 2025-05-25)

Abstract

In the recording of the genealogy of Jesus Christ by Matthew, the names of mothers who had previously committed sins are mentioned, and Christian theologians, especially Catholics, have devoted attention to examining the status of these women in the genealogy. This article addresses four main approaches of Christian theologians: first, the ethnic approach, which shows that Matthew intended to highlight the role of non-Jews in the history of the emergence of Jesus the Savior; second, the theological approach, based on which, by including the names of sinful women in the genealogy, Matthew provided a divine introduction and confirmation for Mary's challenging and unexpected pregnancy; third, the gender approach, which demonstrates the importance of women's role in the divine plan for the birth of Christ; and fourth, the historical approach, which presents the eschatological Savior (i.e. the one relating to the End of the Time) as descended from various nations. Although Islamic sources have not explicitly emphasized the purity of the lineage of Jesus Christ, his lineage back to Abraham is considered free from any sexual impropriety. It seems that some of these approaches have suitable potential for comparative and religious studies, and in some cases, a common approach regarding the importance of the genealogy of the prophets in Islam and Christianity can be observed, which could be instructive for future research.

Keywords: genealogy of Christ, Gospel of Matthew, purity of prophetic lineage, mothers of Jesus (AS)

1. Member of the International Research Center of Imam Reza (AS), Al-Mustafa International University, Khorasan Branch. mfarizani@gmail.com

بررسی دیدگاه الهی دانان مسیحی کاتولیک از حضور زنان ناپاک در نسب‌نامه عیسی مسیح در انجیل متی

سیدمرتضی فری زنی^۱

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۴]

چکیده

در ثبت تبارنامه عیسی مسیح به وسیله متی، نام مادرانی آمده است که پیش‌تر دچار گناه شده‌اند و الهی دانان مسیحی، به ویژه کاتولیک‌ها، به بررسی جایگاه این زنان در شجره‌نامه اهتمام ورزیده‌اند. این مقاله به چهار رویکرد اصلی الهی دانان مسیحی می‌پردازد: نخست، رویکرد قومیتی که نشان می‌دهد متی قصد داشته نقش غیریهودیان را در تاریخ ظهور عیسای منجی برجسته سازد؛ دوم، رویکرد کلامی، براساس آن متی با درج نام زنان گنهکار در تبارنامه، مقدمه و تأیید الهی برای بارداری ناخواسته و چالش برانگیز مریم فراهم کرده است؛ سوم، رویکرد جنسیتی که اهمیت نقش زنان در نقشه الهی برای تولد مسیح را نشان می‌دهد؛ و چهارم، رویکرد تاریخی که خداوند منجی آخرالزمان را از نسل ملل گوناگون معرفی می‌کند. اگرچه منابع اسلامی به طور صریح بر طهارت نسب عیسی مسیح تأکید نکرده‌اند، سلسله نسب ایشان تا ابراهیم بدون هیچ‌گونه شبهه جنسی دانسته شده است. به نظر می‌رسد برخی از این رویکردها ظرفیت مناسبی برای مطالعات تطبیقی و ادیانی دارند و در برخی موارد، رهیافت مشترکی درباره اهمیت نسب شناسی انبیا در اسلام و مسیحیت مشاهده می‌شود که می‌تواند در پژوهش‌های آتی راهگشا باشد.

واژگان کلیدی: تبارنامه مسیح، انجیل متی، طهارت نسب انبیا، مادران حضرت عیسی (علیه السلام)

۱. عضو پژوهشکده بین‌المللی امام رضا (علیه السلام)، جامعه المصطفی العالمیه، نمایندگی خراسان mfarizani@gmail.com.

۱. مقدمه

حضور چهار زن همراه با مریم مقدس عليها السلام در تبارنامه حضرت عیسی مسیح در انجیل متی، همواره موضوع بحث و تأمل میان متکلمان مسیحی بوده است (متی، ۱: ۱-۱۷). این در حالی است که انجیل لوقا هیچ اشاره‌ای به زنان در شجره‌نامه مسیح نکرده است (لوقا، ۳: ۲۳-۳۸). (۱) متی در این بخش از انجیل خود می‌نویسد:

ابراهیم پدر اسحاق، اسحاق پدر یعقوب، یعقوب پدر یهودا و برادرانش بود. یهودا پدر فارص و زارح (مادرشان تامار بود)... سلمون پدر بوغز (مادرش راحاب بود)، بوغز پدر عوبید (مادرش روت بود)... یسی پدر داوود نبی بود و داوود پدر سلیمان (مادرش پیش‌تر همسر اوریا بود)... یعقوب پدر یوسف بود و یوسف شوهر مریم شد و مریم، مادر عیسی مسیح بود.

نکته‌ای که برخی متکلمان مسیحی به آن توجه کرده‌اند، انگیزه متی از درج چنین نسب‌نامه‌ای با نام بردن از برخی زنان برای مسیح است (Nolland, 2009: p 530). با توجه به یهودی‌بودن متی، یکی از اهداف اساسی او در نگارش انجیل، متقاعد ساختن مخاطبان یهودی بر این امر بود که عیسی همان «مسیح موعود» و برآورنده انتظار دیرینه قوم یهود است. او با تأکید بر عنوان «پسر داوود»، نشان می‌دهد که براساس پیشگویی‌های عهد عتیق، مسیح‌های موعود باید از نسل داوود، بزرگ‌ترین پادشاه یهودیان، باشد (دوم سموئیل، ۷: ۱۲-۱۴؛ مزمو، ۸۹: ۳-۴؛ مرقس، ۱۰: ۴۷-۴۸). همچنین، متی با بازگرداندن نسب مسیح به ابراهیم، نخستین شخصیت محوری در تاریخ قوم یهود، می‌کوشد اثبات کند که عیسی از هر دو جهت، یعنی هم از تبار داوود و هم از نسل ابراهیم، جایگاه پیش‌بینی شده‌ای در متون مقدس یهود دارد و نام بردن از برخی زنانی که در نسل عیسی تأثیرگذار بودند در راستای همین انگیزه است (پیدایش، ۱۲: ۱-۳؛ هیل و تورسون، بی‌تا: ص ۱۶۶).

از این منظر، حضور زنان در نسب‌نامه متی را می‌توان در دو سطح تحلیل کرد: نخست، سطح کلی که در آن زنان به عنوان گروهی با ویژگی‌های مشترک و متمایز مورد بررسی قرار می‌گیرند و تلاش می‌شود دلایل و تفاسیر احتمالی ذکر نامشان در متن متی شناسایی شود؛ و دوم، سطح فردی که در آن سرگذشت و ویژگی‌های خاص هر زن به طور جداگانه تحلیل شده و نقش ویژه هر یک در مسیر تاریخی تولد عیسی مورد توجه قرار می‌گیرد.

در این زمینه، شماری از محققان کاتولیک بر این باورند که زنانی که در تبارنامه متی ذکر شده‌اند، هر یک نقش متمایزی ایفا می‌کنند که در نهایت به معرفی عیسی به عنوان «مسیح»، «پسر داوود» و «پسر ابراهیم» کمک می‌کند. بسیاری از تفاسیر موجود عمدتاً بر نقاط مشترک این زنان تمرکز کرده و تفاوت‌های فردی آنان را نادیده می‌گیرند. با این حال، نمی‌توان از نقش ویژه و منحصر به فرد هر یک از این زنان در شکل‌گیری هویت و نسب عیسی مسیح چشم‌پوشی کرد؛ زیرا متی با درج نام آنان در شجره‌نامه، پیشینه‌های متنوع و گاه غیرمعمول اجداد عیسی را برجسته می‌سازد و هم‌زمان بر قدرت الهی در به‌کارگیری انسان‌های ناقص و گناهکار برای تحقق نقشه نجات تأکید می‌کند. افزون بر این، ذکر این زنان در تبارنامه، هنجارهای رایج و انتظارات سنتی جامعه یهودی را به چالش می‌کشد و به طور نمادین گستره فراگیر و نجات‌بخش عمل خداوند را آشکار می‌سازد (Heil, 1991: p 543).

با توجه به گستره پژوهش، تمرکز اصلی بر بررسی رویکردهای مسیحی در تفسیر متون مقدس، به ویژه دیدگاه‌های الهی دانان کاتولیک، معطوف خواهد بود. دلیل این انتخاب آن است که در بسیاری موارد، آموزه‌ها و برداشت‌های کلیسای کاتولیک دیدگاه غالب و رسمی مسیحیت به شمار می‌رود؛ از این رو، می‌توان آن را نماینده‌ای معتبر برای مقایسه با الهیات اسلامی تلقی کرد. بنابراین، ضمن تحلیل دیدگاه‌های کاتولیک، کوشیده خواهد شد مسئله از منظر دین پژوهی تطبیقی نیز بررسی شود. هدف آن است که افزون بر تبیین کانون‌های

اصلی اختلاف میان اسلام و مسیحیت، زمینه‌های دستیابی به رهیافت‌های مشترک نیز آشکار گردد؛ رهیافت‌هایی که می‌تواند در پژوهش‌های آینده راهگشا و کارآمد باشد. پیش از آنکه به بررسی تفاسیر مسیحی از شجره‌نامه عیسی بپردازیم، ضروری است با رجوع به کتاب مقدس، به ویژه عهد عتیق، شخصیت هر یک از این زنان را بازشناسی کرده و براساس سوابق فردی آنان، چرایی نام‌بردیشان در نسب‌نامه مسیح، تحلیل گردد.

۲. شخصیت‌شناسی زنان نام‌برده در نسب‌نامه عیسی مسیح

از آنجا که در عهد عتیق به زندگی این شخصیت‌ها پرداخته شده و گزارش‌هایی از رفتارهای بحث‌برانگیز آنان نقل شده است، شایسته است مروری دوباره بر این شخصیت‌ها داشته باشیم:

۱-۲. بَث شَبَع^۱ یا بَث شوع

بَث شَبَع، دختر الیعام بن خیطوفل و همسر اوریای حتی -یکی از فرماندهان برجسته سپاه داوود- (هاکس، ۱۳۷۷ ش: ص ۱۶۸)، در متون عبری باستان، به ویژه در کتاب‌های «سموئیل دوم» و «پادشاهان اول»، به عنوان شخصیتی اثرگذار معرفی شده است. داستان ارتباط وی با پادشاه داوود یکی از مشهورترین روایت‌های کتاب مقدس به شمار می‌رود. براساس روایت کتاب مقدس، داوود که شیفته زیبایی بَث شبع شده بود، او را به قصر فراخواند و با او هم‌بستر شد (سموئیل دوم، ۱۱: ۶-۱۳). پس از آگاهی از بارداری بَث شبع، داوود تلاش کرد تا با طرح دسیسه‌ای، اوریای حتی را در میدان نبرد به قتل برساند تا بدین ترتیب مانع از افشای رابطه نامشروع خود شود (سموئیل دوم، ۱۲: ۱-۱۲). ناتان پیامبر، داوود را به شدت به خاطر این عمل ناپسند سرزنش کرد و او را به توبه فراخواند (سموئیل دوم، ۱۲: ۱-۱۲)؛ با این حال، داوود

1. Bathsheba.

به پادشاهی خود ادامه داد و بث شبع به یکی از همسران او تبدیل شد (پادشاهان اول، ۸:۱). از این ازدواج، سلیمان که بعدها به پادشاهی رسید، به دنیا آمد. علاوه بر سلیمان، بث شبع سه پسر دیگر به نام‌های شیمه‌ئا، شوباب و ناتان نیز برای داوود به دنیا آورد (تواریخ اول، ۳:۵). در همین راستا دیوید پاوسن در شرح این ماجرا تحت عنوان مرد رسوا می‌نویسد:

بث شبع آبستن می‌شود، داوود در صدد پنهان کاری برمی‌آید و نهایتاً ترتیبی می‌دهد تا اوریا، شوهر او در جنگ کشته می‌شود، نوزاد می‌میرد و داوود بث شبع را به عنوان همسر خود به قصر می‌آورد، باز بث شبع آبستن می‌شود؛ اما این بچه زنده می‌ماند و نام او را سلیمان (یعنی آرامی) می‌گذارند. یک سال بعد، خداوند ناتان نبی را به نزد داوود می‌فرستد تا با استفاده از یک مثل گناهش را بدو گوشزد نماید و داوود به سنگینی گناه خویش پی می‌برد و مزمور ۵۱ دعای اعترافی است که در پی این مکاشفه بر زبان داوود جاری می‌شود (پاوسن، بی تا: ۱، ص ۲۷۷-۲۷۸).

۲-۲. راحاب^۱

راحاب، زنی از اهل اریحا و مطابق روایت کتاب یوشع (۶:۲)، نقشی کلیدی در فتح این شهر به وسیله بنی اسرائیل ایفا کرد. هنگامی که یوشع دو جاسوس را برای شناسایی اریحا فرستاد، راحاب به رغم اینکه در جامعه به عنوان فاحشه شناخته می‌شد، به آن‌ها پناه داد و از دست سربازان پادشاه اریحا مخفی کرد. در مقابل، جاسوسان به او وعده دادند که در هنگام فتح شهر، جان او و خانواده‌اش را حفظ خواهند کرد. پس از فتح اریحا، یوشع به وعده‌اش عمل کرد و به راحاب و خانواده‌اش اجازه داد تا شهر را ترک کنند (هیل و تورسون، بی تا: ص ۵۰۷). در روایات مختلف، سرنوشت متفاوتی برای راحاب ذکر شده است. برخی روایات، از جمله کتاب عبرانیان، او را با سلمون، یکی از طایفه یهودا، ازدواج داده و او را در زمره اجداد مسیح

1. Rahab.

قرار می‌دهند (هاکس، ۱۳۷۷ ش: ص ۴۰۴)، در مقابل، برخی روایات یهودی، از جمله روایات پائوسن، ادعا می‌کنند که راحاب با یوشع ازدواج کرده و نیای مادری برخی از انبیا مانند ارمیا و حلدیه بوده است (هیل و تورسون، بی تا: ص ۵۰۷). پائوسن در این باره می‌نویسد:

راحاب فاحشه نخستین غیریهودی در زمین کنعان بود که خدای اسرائیل را پذیرفت. پس در اینجا با شجره‌نامه‌ای مختلط روبه‌رو هستیم. تamar مورد تجاوز گرفت، راحاب غیریهودی و فاحشه بود، روت هم موآبی بود؛ با این وجود همه این‌ها نیاکان خداوند ما عیسی مسیح به شمار می‌روند (پائوسن، بی تا: ج ۱، ص ۲۶۰-۲۶۱).

در این تفسیر نیز تأکید شده که راحاب با اینکه در دورانی مبتلا به گناه بوده؛ ولی بعد از اینکه یهودی شده با سلمون از نوادگان یهودا ازدواج می‌کند و از مسیر ازدواج و رابطه شرعی، صلاحیت پیدا می‌کند که جزء نیای مادری عیسی مسیح قرار گیرد.

۲-۳. روت^۱ یا راعوت

روت اهل موآب بود، منطقه‌ای که در شرق دریای مرده قرار داشت و ساکنان آن از نسل لوط، پسر برادرزاده ابراهیم، بودند (پیدایش، ۱۹: ۳۰-۳۸) و کتابی به نام او ثبت شده است. (۲) موآبیان با بنی اسرائیل روابط پیچیده‌ای داشتند و گاهی اوقات با آن‌ها در جنگ بودند (داوران، ۳: ۱۲-۳۰). روت با ازدواج با یکی از پسران نعومی، زن اسرائیلی، به خانواده‌ای یهودی وارد شد. با این حال، این ازدواج دیری نپایید و پس از مرگ همسرش، روت تصمیم گرفت که به همراه مادرشوهرش، نعومی، به بیت لحم برگردد. وی پس از فوت همسر خود، با مادرشوهر خود به بیت اللحم مراجعه کرد و با مهربانی و اظهار ملاطفت، عشق و علاقه بوعز (۳) (جد بزرگ داوود) را به دست می‌آورد (هاکس، ۱۳۷۷ ش: ص ۴۲۳) و از او پسری به نام عوبید به دنیا آورد. عوبید پدریسی و جد داوود نبی بود (روت، ۴: ۱۳-۲۲).

1. Ruth.

۲-۴. تامار^۱

تامار، عروس یهودا، پس از مرگ همسرش «عیر» و سپس «اونان»، مطابق با «قانون لویرات» که فرزندآوری برای بیوه را از طریق ازدواج با برادرشوهر مقرر می‌کرد، انتظار داشت با شِلا، برادر دیگر شوهرش، ازدواج کند. با این حال، یهودا به دلیل بیم از مرگ شِلا و قطع نسل عیر، از این ازدواج سر باز زد. در نتیجه، تامار با تدبیر و برای حفظ نسل شوهرش، در هیئت زنی روسپی ظاهر شد و با یهودا هم‌بستر گردید. او از یهودا حامله شد و دوقلوهایی به نام‌های فارص و زارح به دنیا آورد. زمانی که مشخص شد تامار حامله است، یهودا او را به خاطر این عمل سرزنش کرد. تامار با نشان دادن مهر و عصای یهودا که از او به یادگار نگه داشته بود، ثابت کرد که این فرزندان از خود او هستند. یهودا به دلیل این عمل عاقلانه تامار، او را سرزنش نکرد (پیدایش، ۳۸: ۶).

۳. انواع رویکردهای الهی دانان مسیحی به ثبت زنان در نسب‌نامه مسیح

الهی دانان و محققان مسیحی عهدین در بررسی وجود نام پنج زن در نسب‌نامه حضرت مسیح در انجیل متی، نظرات و دیدگاه‌های متنوعی ارائه کرده‌اند. برخی از این دیدگاه‌ها جنبه‌های کلامی و دفاعی دارند و برخی دیگر بر جنبه‌هایی چون برجستگی نقش زنان و رویکرد جنسیتی تأکید می‌کنند. یکی از کشیکان و مبلغان معاصر مطرح مسیحی، مایک مازالونگو^۲، در این باره می‌نویسد:

متی در انجیل خود پنج زن را در نسب‌نامه مسیحی ثبت کرده تا شخصیت پادشاهی نسل مسیح را نشان دهد و نیز نشان دهد که زنان بخشی زیادی از نقشه خدایوند برای تولد مسیح هستند. متی با روایت چنین مسئله‌ای، خواسته از افتراات علیه مریم مقدس

1. Tamar.

2. Mike Mazzalongo.

پیرامون عمل نامشروع مشکوک و محتمل وی دفاع کند و اگر خداوند از چنین زنانی همچون تامار، بتشیع و رحاب که در عمل زناگنهکار بودند، برای تولد مسیح به دنیا استفاده کرده، پس می‌تواند از زنی همچون مریم که فقط متهم به چنین کاری است، استفاده کند (Mazzalongo, 2015: p 22).

آنچه این کشیش مبلغ در باب توجیه نام‌بردن از این زنان در انجیل متی یادآور شده، ترکیبی از جنبه کلامی و جنسیتی است و به هر حال می‌تواند در الهیات مسیحی چنین رهیافتی مورد قبول قرار گیرد. در مجموع، رویکردهای متعددی در تفسیر این بخش از شجره نامه عیسی مسیح وجود دارد؛ ولی چهار رویکرد تفسیری بیشتر مورد اقبال محققان مسیحی قرار گرفته است:

۳-۱. رویکرد قومیتی

شایع‌ترین نوع تفسیر در دوره‌های اخیر درباره این چهار زن این است که آن‌ها به مثابه گروهی در نظر گرفته شده‌اند که به عنوان غیریهودیان در تاریخ موعود یهود، نقش مؤثری ایفا کرده‌اند (Brown, 1992: p 72). از منظر تاریخی، حضور غیریهودیان از طریق رسالت مسیح در میان یهودیان تأثیرگذار بوده و در انجیل متی نیز به این نکته اشاره شده است (متی، ۲۸: ۲۰-۲۸). افزون بر این، متی با برجسته کردن نقش داوود به عنوان جد و نیای مسیح و با نشان دادن جامعیت نژادی و دخالت شخصیت‌های غیریهودی در نسب مسیح، کوشیده است غیریهودیان را در جنبش یهودی مسیحی - که دغدغه ویژه متی بوده - درگیر کند و مأموریت مسیح را از ابتدای تولدش با ذکر نام این زنان پیش‌نگری نماید (Smit, 2010: p 192).

برخی پژوهشگران در راستای همین رویکرد بر این باورند که داستان‌های زنان در انجیل متی نه تنها نقش مهم زنان در حمایت از خدمت عیسی را به تصویر می‌کشد، بلکه نشانه‌هایی از گرایش‌های ضد یهودی را از طریق تعاملات آن‌ها با عیسی نمایان می‌سازد و بیانگر گرایش الهیاتی متی و فاصله گرفتن جامعه متایی از یهودیت است. گنجاندن چهار زن

در شجره‌نامه عیسی، به‌ویژه سه نفر از آنان که غیریهودی بودند، نشان‌دهندهٔ مأموریت متی نسبت به غیریهودیان در انجیل اوست. در مجموع، چنین برداشت شده است که جامعهٔ متایی، هرچند شباهت‌هایی با یهودیت داشت؛ اما با نظام و رهبران یهودی مخالفت کرده و به جدایی قابل‌توجهی از آن دست یافته است؛ همچنین، داستان‌های زنان در انجیل متی بر جنبه‌های ضد یهودیت در تصویر متی از مسیح‌شناسی دلالت می‌کنند (Shin, 2014: p 78). همچنین برخی بر این باورند که ذکر زنان غیریهودی و به‌ویژه زن کنعانی در انجیل متی، پیشینه‌ای برای پذیرش تنوع و شکستن موانع تلقی می‌شود. این امر نشان‌دهندهٔ گسترش پیام نجات به همهٔ ملت‌هاست؛ پیامی که بیانگر گسترهٔ جهانی محبت خدا و دعوت به وحدت میان مؤمنان است (Jackson, 2000: p 946).

براساس نگاه مفسران مسیحی، این رویکرد چند نکتهٔ مهم را نشان می‌دهد: نخست، چهار زن ذکرشده در نسب‌نامهٔ مسیح، که برخی از آنان غیریهودی هستند، نمونه‌هایی از تأثیر غیریهودیان در تاریخ یهود و در رسالت مسیح به شمار می‌روند. این نکته بیانگر آن است که مسیحیت به‌عنوان دینی جهانی ظهور کرده و محدود به یهودیان نیست. دوم، متی با تأکید بر نقش داوود به‌عنوان جد مسیح، تلاش دارد به جامعیت نژادی و مختلط بودن نسل مسیح اشاره کند؛ موضوعی که هم هویت یهودی مسیح را تأیید می‌کند و هم ارتباط او با غیریهودیان را نمایان می‌سازد. سوم، برخی تفسیرها نشان می‌دهند که ثبت نام زنان در انجیل متی نه‌تنها بیانگر نقش زنان در حمایت از عیسی است، بلکه بر احساسات ضد یهودیت و خروج جامعهٔ مسیحی اولیه از یهودیت نیز تأکید می‌کند و بازتاب‌دهندهٔ تنش‌های میان یهودیت و مسیحیت اولیه است. چهارم، داستان‌های زنان غیریهودی به‌عنوان پیشینه‌ای برای پذیرش تنوع و شکستن موانع نژادی و قومی عمل می‌کنند. این دیدگاه بر دامنهٔ جهانی محبت خدا و فراخوان به وحدت میان مسیحیان مؤمن تأکید دارد.

در نهایت، مأموریت متی برای گنجاندن نام زنان غیریهودی در نسب نامه، حاکی از تمایل او به ایجاد یک جنبش یهودی-مسیحی است که شامل افراد از تمامی قومیت ها و نژادها باشد.

۳-۲. رویکرد کلامی

یکی از مهم ترین رهیافت ها در تبیین چرایی ذکر زنان در شجره نامه متی، رویکرد کلامی-دفاعی است. در این رویکرد، حضور این زنان، نه صرفاً از منظر تاریخی یا اجتماعی، بلکه به عنوان بخشی از «طرح الهی برای تاریخ نجات» فهم می شود. الهی دانان مسیحی با تحلیل ارتباط این زنان با شخصیت های برجسته ای همچون یهودا، داوود و در نهایت عیسی مسیح، بر آن اند که نام بردن از ایشان نشانه ای از تقدیر الهی و زمینه سازی برای مشروعیت بخشیدن به تولد مسیح است. به این ترتیب، حتی رخداد های غیرمتعارف در زندگی این شخصیت ها، مانند پیوند یهودا با تامار یا داوود با همسر اوریا به جای آنکه مانع درک الهی از تاریخ نجات باشد، در چارچوب اراده خداوند معنا می یابد و در نهایت به ظهور مسیح ختم می شود (Smit, 2010: p 207).

بر این اساس، برخی مفسران کاتولیک استدلال کرده اند که شجره نامه متی بیش از آنکه گزارشی صرف از تبار عیسی باشد، حامل پیامی الهیاتی است؛ نخست، این شجره نامه مسیح را به عهد عتیق پیوند می دهد و استمرار طرح خداوند در تاریخ بشر را آشکار می سازد؛ دوم، با تقسیم بندی چهار دوره ای چهارده نسلی، نظم و طرح دقیق الهی بر مسیر تاریخ تأکید می شود؛ سوم، گنجاندن زنانی چون تامار، راحاب، روت و بتشبع، نشانه ای از تأکید انجیل متی بر عدالت الهی است؛ عدالتی که فراتر از مرزهای قومی و شرایط اخلاقی انسان ها تحقق می یابد و نشان می دهد که خداوند از طریق ابزارهای غیرمنتظره، اراده نجات بخش خود را پیش می برد (Malina, 2011: p14). در این نگاه، عدالت نه یک مفهوم اخلاقی محدود، بلکه حقیقتی کلامی و محور روایت مسیحایی است که با زندگی عیسی در عهد جدید به اوج خود می رسد.

افزون بر این، حضور این زنان در شجره‌نامه یادآور آن است که تاریخ نجات، عرصه حضور انسان‌های بی‌نقص و معصوم صرف نبوده، بلکه خداوند از مسیرهای پیچیده و حتی پرابهام برای تحقق وعده‌های خود بهره گرفته است. این نکته به ویژه در ارتباط با تولد عیسی و نقش مریم مقدس برجسته می‌شود؛ چراکه حمل غیرمنتظره مریم، در تداوم همان الگوی الهی فهم می‌شود که پیش‌تر در داستان‌های تamar و بتشبع نمود یافته بود. از این منظر، روایت متی نه توجیه یک واقعه اجتماعی، بلکه اعلام حقیقتی کلامی است: اراده خداوند در طول تاریخ از طریق وقایعی تحقق می‌یابد که به ظاهر با هنجارهای رایج ناسازگارند؛ اما در نهایت، تحقق وعده مسیحایی را تضمین می‌کنند.

۳-۳. رویکرد جنسیتی

بررسی شجره‌نامه^۱ عیسی در انجیل متی نشان می‌دهد که در میان غلبه نگاه مردسالارانه^۲، ذکر پنج زن جایگاهی غیرمعمول دارد که خود شایسته تأملی جدی است. ویژگی مشترک این زنان در روایت کتاب مقدس، ارتباط آنان با «روابط غیرمعمول» است. با این حال، برخی از پژوهشگران مسیحی تأکید می‌کنند که این زنان در وقوع چنین رویدادهایی مقصر نبوده‌اند، بلکه این رخدادها در چارچوب برنامه‌ای الهی رخ داده است (Smit, 2010: p 207). در مواردی همچون تamar و بتشبع، حتی می‌توان گفت که مردانی چون یهودا و داوود عليه السلام نقش اصلی را در شکل‌گیری این روابط بر عهده داشتند و از منظر برخی الهی‌دانان، مسئولیت اولیه بر عهده شخصیت‌های مرد بوده است، نه زنان. یکی از محققان کاتولیک در این زمینه یادآور می‌شود:

رویکرد حساس به جنسیت در تحلیل پنج زن شجره‌نامه عیسی در انجیل متی نتایج مهمی

1. Genealogy.

2. Patriarchally.

به همراه دارد. این دیدگاه، حضور غیرمعمول آنان را به دلیل جنسیتشان برجسته ساخته و برویژگی‌های خاص آنان در این متن تأکید می‌کند. زنان مذکور با وجود ارتباطشان با روابط نامتعارف، نه تنها محکوم نمی‌شوند، بلکه از سوی الهی تأیید می‌گردند. این امر نشان می‌دهد که حتی در ورای هنجارهای اجتماعی زمانه، حضور زنان به منزله بخشی از طرح الهی پذیرفته شده است. همچنین توزیع آنان در متن، توجه خواننده را به سه شخصیت محوری یعنی یهوذا، داوود و عیسی جلب می‌کند؛ شخصیت‌هایی که هویت مسیحی آنان در پیوند با زنان دخیل در زندگی‌شان تعریف و تبیین می‌شود (Ibid, p 206-207).

با این همه، ذکر نام زنان در تبار عیسی محدود به روایت متی نیست. در عهد عتیق نیز چهره‌های برجسته‌ای چون سارا^۱، ربکا^۲، لیا^۳ و راحیل^۴ با صفت پاکدامنی و تقوا معرفی شده‌اند (Ibid, p196). بدین سان، به نظر می‌رسد متی با درج نام زنانی خاص، نه تنها بر نقش آنان در شکل‌گیری نسب مسیح تأکید دارد، بلکه لایه‌ای عمیق‌تر از معنای الهیاتی را در قالب «مادری مقدس» نمایان می‌کند؛ نقشی که فراتر از جایگاه اجتماعی زنان، با تاریخ نجات و هویت دینی پیوند خورده است. از سوی دیگر، برخی مفسران بر جنبه اخلاقی و الهیاتی این حضور تأکید بیشتری دارند. ورن در این باره می‌گوید:

گنجانیدن این زنان در شجره‌نامه، خدمتی نمادین و الهیاتی فراتر از ثبت نسب است. حضور آنان به درک عمیق‌تر از اجداد عیسی می‌انجامد، تنوع نقش زنان را آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد که مطالعه پنج زن در تبارنامه متی نه تنها تبار عیسی را روشن‌تر می‌کند، بلکه بر مشارکت حیاتی آنان در تاریخ نجات نیز انگشت

1. Sarah.

2. Rebecca.

3. Lea.

4. Rachel.

می‌گذارد. روایت کتاب مقدس بدون این داستان‌ها و نقش‌آفرینی‌ها ناقص می‌ماند

(Weren, 1997: p 302).

البته باید افزود که برخی رویکردهای فمینیستی، تفسیری متفاوت و گاه چالش‌برانگیز نسبت به حضور این زنان ارائه کرده‌اند: (۴) دیدگاه‌هایی که به دلیل خروج از حیطه این پژوهش، بررسی آن‌ها به مجال دیگری واگذار می‌شود. با این حال، آنچه در چارچوب رویکرد جنسیتی به روشنی نمایان است، چند نکته کلیدی است: نخست، اینکه پنج زن یادشده در پیوند با روابط غیرمتعارف به تصویر کشیده شده‌اند و اغلب در جایگاه قربانی تصمیم‌های مردان قرار دارند؛ دوم، متکلمان مسیحی بر این نکته اصرار دارند که مقصر اصلی در این روابط نه زنان، بلکه شخصیت‌های تاریخی مرد هستند؛ سوم، تأکید می‌شود که این زنان، به رغم شرایط نامتعارف، مورد تأیید الهی قرار گرفته‌اند و این امر، کارکردی کلامی دارد که نشان می‌دهد خداوند حتی از مسیرهای غیرمنتظره، اراده خود را به انجام می‌رساند.

سرانجام، باید توجه داشت که نام زنان در شجره‌نامه، تنها به کارکرد تاریخی ختم نمی‌شود، بلکه حامل معنایی نمادین است که بر اهمیت مادری در تاریخ مقدس و بر نقش متنوع زنان در شکل‌گیری هویت مسیح تأکید دارد. حضور آنان نه صرفاً برای ردیابی نسب عیسی، بلکه برای بیان حقیقتی الهیاتی است: اراده خداوند در تاریخ نجات بدون مشارکت زنان به کمال نمی‌رسد.

۳-۴. رویکرد تاریخی-آخرالزمانی

برخی از محققان در توصیف چنین رویکردی می‌نویسند:

شجره‌نامه عیسی در انجیل متی شامل نام زنانی مانند تامار، راحاب، روت، بتشبع، و مریم است تا بر رابطه شجره‌نامه عیسی، نه تنها با اسرائیل بلکه با همه ملل تأکید کند و او را به عنوان نجات‌دهنده همه ملل به تصویر کشیده است و گنجانیدن این زنان توسط متی

در تبارنامه عیسی هدف از بین بردن موانع بین یهودیان و غیریهودیان است و بر رابطه مبتنی بر ایمان تأکید دارد (Hakh, 2014: p 115).

همچنین، براساس دیدگاه مسیحیت کاتولیک، حضور زنان غیریهودی و زنان دارای گذشته پرچالش در نسب عیسی، مانند تامار، راحاب، روت و همسر اوریا، وعده فراگیر و بخشنده خداوند برای نجات همه بشریت را برجسته می سازد. تحلیل الهیاتی گنجاندن این زنان در شجره نامه عیسی پیام برجسته ای از محبت و رحمت فراگیر خداوند را آشکار می کند و تمایل او برای پذیرش افرادی از پیشینه ها و تاریخ های گوناگون را نشان می دهد. همچنین، این حضور بیانگر آن است که چگونه این زنان برنامه جامع نجات خداوند برای بشریت را تکمیل و تحقق می بخشند (Sinaga, 2022: p 164).

با توجه به این رویکرد، برخی الهی دانان مسیحی بر این باورند که گنجاندن زنان غیریهودی و دارای گذشته پرچالش در نسب عیسی، تأکیدی بر ارتباط او نه تنها با اسرائیل، بلکه با تمام ملل است. این نکته نشان می دهد که عیسی به عنوان نجات دهنده ای برای همه ملت ها معرفی شده و ایمان به عنوان عاملی وحدت بخش اهمیت دارد. همچنین، حضور این زنان در نسب عیسی بر وعده فراگیر و بخشنده خداوند برای نجات همه بشریت تأکید می کند و نشان دهنده نگاه برابر خداوند به تمامی انسان ها است.

۴. نگاهی به نسب نامه حضرت عیسی در اسلام

همان طور که پیش تر اشاره شد، از دیدگاه عهد جدید، عیسی علیه السلام از تبار داوود نبی علیه السلام است. در روایات اسلامی نیز آمده است که وصی موسی علیه السلام، یوشع بن نون علیه السلام بود و وصی یوشع علیه السلام، داوود علیه السلام بود. پس از داوود علیه السلام، سلسله وصایت به زکریا علیه السلام می رسد و زکریا علیه السلام عیسی علیه السلام را وصی خود معرفی می کند. بر این اساس، می توان نتیجه گرفت که عیسی علیه السلام وصی ای با واسطه از داوود علیه السلام بود (صدوق، ۱۴۱۷:

ص ۴۸۸). همچنین، عیسی علیه السلام از طریق یعقوب علیه السلام به ابراهیم علیه السلام متصل می‌شود (مجلسی، بی‌تا: ج ۱۷، ص ۲۵۲).

درباره مادر حضرت عیسی علیه السلام آمده است که وی در طهارت و پاکیزگی کامل متولد شد (مجلسی، بی‌تا: ج ۱۵، ص ۵۰). او روز دهم محرم به دنیا آمد و نام او را مریم نهادند؛ زیرا «مریم» به معنای زنی عابده و خادمه است (مجلسی، بی‌تا: ج ۱۴، ص ۱۹۵). همچنین نقل شده است که هر نوزادی در هنگام تولد، از مس شیطان در امان نیست؛ اما مریم هنگام تولد، به خواست خداوند، در کمال مصونیت و سلامت از هرگونه آسیبی محافظت شد (مجلسی، بی‌تا: ج ۶۰، ص ۱۴۵). نسب حضرت عیسی علیه السلام از سوی مادرش، به اسحاق علیه السلام و سپس به ابراهیم علیه السلام می‌رسد و از این طریق، او از دودمان انبیا به شمار می‌رود (مجلسی، بی‌تا: ج ۹۴، ص ۱۲۲).

در مجموع، می‌توان گفت با وجود عدم تصریح مستقیم در پاکی دودمان حضرت عیسی علیه السلام در نقل‌های روایی، ولی سلسله نسب آنان تا حضرت ابراهیم علیه السلام در منابع اسلامی، به ویژه منابع شیعه، خالی از شبهه آلودگی جنسی مطرح شده، و نشان‌دهنده اهمیت دادن به نسب‌شناسی در منابع اسلامی با تأکید بر طهارت دودمان و عاری بودن آن‌ها از گناه جنسی است. درباره سایر پیامبران، مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در منابع اسلامی تأکید شده که نسبی پاک داشته‌اند و به هیچ وجه پدران و مادران ایشان دچار آلودگی جنسی نشده‌اند؛ چنان‌که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «من از راه ازدواج مشروع، به وجود آمده‌ام و از راه نامشروع، زاده نشده‌ام. از زمان آدم، هیچ‌گونه زنا و سنت‌های نامشروع جاهلیت، نسب مرا مخدوش نساخته است و جز از راه پاک به دنیا نیامده‌ام» (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۶۰). در روایتی دیگر از ایشان نقل شده: «من از زمان آدم [پشت اندر پشت] به طریق ازدواج [مشروع] و بدون آلودگی به زنا متولد

شده‌ام» (ابن عساکر: ۱۴۱۵: ج ۳، ص ۴۰۰)؛ همچنین دربارهٔ جمیع انبیا که خود حضرت مشمول آن می‌شود، فرموده است: «ما از پشت‌های پاک به زهدان‌های پاکیزه منتقل شده‌ایم» (۵) (کراجکی، ۱۳۶۹: ص ۷۰؛ مجلسی، بی‌تا: ج ۳۵، ص ۱۵۶).
بر این اساس، از نگاه اسلامی به‌طور ویژه، نسب انبیا از جمله حضرت عیسی علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از هرگونه آلودگی و رابطه نامشروع پدران و مادران گذشته خود، به دور بوده و به‌طور ضمنی تأکید شده که سایر انبیا هم، چنین بوده‌اند و پدران و مادران ایشان از شرک و آلودگی جنسی مبرا هستند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۴۴۴).

نتیجه‌گیری

با توجه به تنوع رویکردهای مفسران مسیحی، به‌ویژه کاتولیک، درباره چرایی ثبت نام زنان در نسب‌نامه عیسی در انجیل که چهار رویکرد عمده در این زمینه مطرح شده است، زمینه‌ای برای پژوهش تطبیقی میان اسلام و مسیحیت فراهم می‌آید. نخست، اهمیت نسب‌شناسی انبیا در متون مقدس ادیان ابراهیمی و منابع تفسیری و تاریخی آن‌ها مورد تأکید قرار گرفته است. علاوه بر این، رویکردهای تفسیری متنوع، به‌ویژه در میان مفسران کاتولیک، نشان‌دهندهٔ دغدغهٔ جامعه مسیحی در برجسته کردن نقش زنان در تاریخ آموزه‌های خود از جنبه‌های اخلاقی، الهیاتی، اجتماعی و تاریخی است. این مسئله در متون اسلامی نیز به‌طور مفصل مورد بحث قرار گرفته و با بررسی چرایی ثبت نام زنان در نسب‌نامهٔ شخصیت‌های الهی، می‌توان ضمن شناسایی نقاط اشتراک و اختلاف دیدگاه‌ها، رهیافتی مشترک ارائه کرد.

به عنوان نمونه، منابع اسلامی با دقت به تبارنامهٔ پیامبران، از جمله حضرت عیسی علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرداخته‌اند و پاکی اخلاقی و رفتاری والدین ایشان از آلودگی‌های

جنسی را مورد تأکید قرار داده‌اند. در الهیات مسیحی، به‌ویژه مکتب کاتولیک، برخی از والدین حضرت عیسی علیه السلام هرچند در مقطعی از زندگی مرتکب گناه جنسی شده‌اند؛ اما به‌عنوان توبه‌کنندگان شناخته شده و نقشی حیاتی در تحقق نقشه‌ی خداوند برای تولد مسیح ایفا کرده‌اند و از طریق فیض الهی فرصت اصلاح یافته‌اند. در اسلام، شایستگی اخلاقی و رفتاری والدین پیامبران مورد تأکید است و نسبت دادن گناه جنسی به آنان با دیدگاه رایج اسلامی درباره تبارنامه‌ی انبیا ناسازگار است، هرچند توبه و بازگشت به‌سوی خداوند در اسلام نیز همواره پاکی و بازسازی از گناه را به همراه دارد و توبه‌کننده واقعی را همچون بی‌گناه می‌انگارد. با توجه به حساسیت موضوع و محدودیت حجم مقاله، پیشنهاد می‌شود پژوهشی مستقل به بررسی تطبیقی رویکردهای مشترک و اختلافات دیدگاه‌های اسلامی و مسیحی در این زمینه اختصاص یابد.

پی‌نوشت‌ها

۱. طبق نظر مفسران کتب مقدس، مقایسه‌ی نسب‌نامه‌ی عیسی در انجیل متی با نسب‌نامه‌ی لوقا نشان می‌دهد که میان این دو، تفاوت‌های چشمگیری وجود دارد: نخست، نسب‌نامه‌ی لوقا به زمانی پیش از حضرت ابراهیم علیه السلام بازمی‌گردد و به حضرت آدم علیه السلام - نخستین انسانی که خدا آفرید - می‌رسد. لوقا یهودی نبود؛ از این رو، هدف او این بود که نشان دهد مسیح نه تنها مسیحای یهودیان، بلکه نجات‌دهنده‌ی همه‌ی انسان‌ها، چه یهودیان و چه غیریهودیان است. به همین دلیل، او نسب‌نامه‌ی خود را از حضرت آدم علیه السلام آغاز می‌کند. دوم، از داوود تا مسیح، نسب‌نامه‌ی لوقا کاملاً با نسب‌نامه‌ی متی تفاوت دارد و تنها دو نام، یعنی «سالتئیل» و «زروبابل» (متی ۱: ۱۲)، در هر دو یکسان آمده است. توضیح رایجی که برای این اختلاف ذکر می‌شود، آن است که متی نسب‌نامه‌ی شرعی یوسف را آورده است؛ زیرا یوسف، در چارچوب ازدواج، پدر قانونی عیسی به شمار می‌رفت؛ اما چون یوسف پدر طبیعی عیسی نبود (زیرا پدر حقیقی او روح القدس بود)، لوقا نسب‌نامه‌ی مریم را نقل کرده است، نه نسب‌نامه‌ی یوسف. طبیعی است که نسب‌نامه‌ی مریم و یوسف با یکدیگر متفاوت بوده باشد. با این حال، نکته‌ی جالب آن است که

هر دو، یوسف و مریم، از نسل داوود بودند و متی و لوقا، هر یک از راهی متفاوت، نشان می‌دهند که عیسی «پسر داوود» و «مسیح موعود» است (هیل و تورسون، بی‌تا: ص ۱۶۶).

۲. کتاب روت یکی از کوتاه‌ترین و در عین حال عمیق‌ترین بخش‌های «کتاب مقدس عبری» (تَنخ) و عهد عتیق به شمار می‌رود. این کتاب در بخش «کتوویم» (نوشتارها) جای گرفته و از نظر ترتیب، میان کتاب داوران و کتاب اول سموئیل قرار دارد. روایت آن بر داستان وفاداری و محبت «روت موآبی» استوار است؛ زنی که همراه با مادرشوهرش، «نعمی»، به بیت لحم بازمی‌گردد. ازدواج روت با «بوعز»، مردی ثروتمند و نیکوکار، و سپس تولد «عوبید»، فرزند آنان، زنجیره‌ای از رخدادها را شکل می‌دهد که سرانجام به ولادت داوود پادشاه و در نهایت، ظهور مسیح می‌انجامد.

۳. بوعز، شخصیتی محوری در کتاب روت، به عنوان مردی ثروتمند، شریف و دین‌دار معرفی شده است. او در مقام «ولی خویشاوند» (kinsman-redeemer) وظیفه می‌یابد زمین شوهر درگذشته نعمی را بازخرید کند و در عین حال، از حقوق روت نیز حمایت کند. ازدواج او با روت نه تنها یک پیوند خانوادگی، بلکه اتحادی معنوی و اجتماعی است که تجلی رحمت و وفاداری خداوند به شمار می‌آید. داستان بوعز و روت، فراتر از یک روایت صرفاً خانوادگی است؛ این روایت نمادی از وفاداری، عدالت و رحمت الهی تلقی می‌شود. بوعز، در مقام نماد «بازخرید» و «رستگاری»، جایگاهی برجسته در تاریخ نجات ایفا می‌کند.

۴. (۱). یکی از پژوهشگران فمینیست در تحلیل حضور این زنان آورده است: «گنجاندن این زنان در شجره‌نامه عیسی، تفاسیر سنتی متون و شجره‌نامه‌های کتاب مقدس را به چالش می‌کشد. این امر باعث ارزیابی مجدد نقش زنان در روایت‌های مذهبی شده و درک ظریف‌تری از مشارکت‌ها و چالش‌های آن‌ها در ساختارهای مردسالارانه ارائه می‌دهد. با بازنگری داستان‌های اجداد زن عیسی از طریق لنز انتقادی فمینیستی و مارکسیستی، می‌توان روایت‌های پنهان از انعطاف‌پذیری، اختیار و مبارزه را آشکار ساخت. این رویکرد نه تنها درک ما از متون کتاب مقدس را غنی می‌کند، بلکه به بحث‌های مداوم پیرامون جنسیت، قدرت و نمایندگی در زمینه‌های مذهبی و تاریخی نیز کمک می‌کند (Rose.2019.p:16).

۵. (۱). نُقِلْنَا مِنَ الْأَصْلَابِ الظَّاهِرَةِ إِلَى الْأَرْحَامِ الرَّكِيَّةِ.

منابع

عهد عتیق.

عهد جدید.

ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۰ق)، الطبقات الكبرى، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.

ابن عساکر، ابو القاسم علی بن حسن بن هبة الله (۱۴۱۵)، تاریخ مدینة دمشق، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع.

پاوسن، دیوید (بی‌تا)، رمزگشایی کتاب مقدس، مترجم: رامین بسطامی، بی‌جا: بی‌نا.

صدوق، ابن بابویه محمد بن علی (۱۴۱۷ق)، الأمالی، قم: مرکز الطباعة والنشر في مؤسسة البعثة.

کراجکی، ابوالفتح (۱۳۶۹)، کنز الفوائد، قم: مکتبة المصطفوی.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، قم: دارالکتب الاسلامیة.

مجلسی، محمدباقر (بی‌تا)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربي.

هاکس، جیمز (۱۳۷۷)، قاموس کتاب مقدس، تهران: انتشارات اساطیر.

هیل، توماس؛ تورسون، استیفان (بی‌تا)، تفسیر کاربردی عهد عتیق، مترجمان: آرمان رشدی و فریبرز خندانی، بی‌جا: بی‌نا.

Brown, R. E. (1992). *The birth of the Messiah*. New York, NY: Doubleday.

Hakh, B. S. (2014). Women in the genealogy of Matthew. *Exchange*, 43(2), 109–118.

Heil, J. (1991). The narrative roles of the women in Matthew's genealogy. *Biblica*, 72(4), 538–545.

Jackson, G. S. (2000). Are the “nations” present in Matthew? *HTS Theologiese Studies / Theological Studies*, 56(4), 935–948.

Malina, A. (2011). Kobiety w genealogii Jezusa Mt. 1, 1–17. *Verbum (ITB)*.

Mazzalongo, M. (2015). *Matthew for beginners*. BibleTalk Books.

Nolland, J. (2009). The four (five) women and other annotations in Matthew's genealogy. *New Testament Studies*, 43(4), 527–539.

Rose, M. (2019). Holy mothers of God: Sex work, inheritance, and the women of Jesus' genealogy. *Theology and Sexuality*, 25, 1–20.

- Shin, I. (2014). Women's stories implying aspects of anti-Judaism with Christological depiction in Matthew. *HTS Theological Studies*, 70(1), 1–9.
- Sinaga, J. (2022). The Jesus genealogy controversy reveals the secret of the salvation plan. *Quaerens*, 4(2), 148–166.
- Smit, P. B. (2010). Something about Mary? Remarks about the five women in the Matthean genealogy. *New Testament Studies*, 56(2), 197–215.
- Weren, W. J. C. (1997). The five women in Matthew's genealogy. *The Catholic Biblical Quarterly*, 59(2), 288–305.

References

A) Persian and Arabic Sources:

Old Testament.

New Testament.

Hawks, James 1377 Sh. *Qāmus-i Kitāb-i Muqaddas [Dictionary of the Bible]*, Tehran: Asāfīr Publications.

Hill, Thomas; Thorson, Stephen. n.d. *Tafsīr-i Kārbordī-i 'Ahd-i 'Atīq [Applied Commentary on the Old Testament]*, Translators: Arman Roshdi and Fariborz Khandani. n.p., n.p.

Ibn Sa'd, Muhammad ibn Sa'd. 1410 AH. *Al-Ṭabaqāt al-Kubrā*, Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah, Manshurāt Muhammad 'Alī Bayḍūn.

Ibn 'Asākir, Abu al-Qāsim 'Alī ibn Ḥasan ibn Hibat Allah. 1415 AH. *Tārīkh Madīnat Dimashq*, Beirut: Dār al-Fikr for Printing, Publishing, and Distribution.

Pawson, David. n.d. *Decoding the Bible*, Translator: Ramin Bastami, n.p., n.p.

Ṣadūq, Ibn Bābawayh Muhammad ibn 'Alī 1417 AH. *Al-Amali*, Qom: Center for Printing and Publishing in Mu'assasat al-Bi'thah.

Karājakī, Abul-Faṭḥ. 1369 Sh. (?) *Kanz al-Fawā'id*, Qom: Maktabat al-Muṣṭafawī.

Kulaynī, Muhammad ibn Ya'qūb. 1407 AH. *Al-Kāfī*, Qom: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah.

Majlisī, Muhammad Bāqir. n.d. *Biḥār al-Anwār*, Beirut: Dar Ihya' al-Turāth al-'Arabī.

B) English and other Language Sources:

Brown, R. E. 1992. *The birth of the Messiah*. New York, NY: Doubleday.

Hakh, B. S. 2014. Women in the genealogy of Matthew. *Exchange*, 43(2), 109–118.

- Heil, J. 1991. The narrative roles of the women in Matthew's genealogy. *Biblica*, 72(4), 538–545.
- Jackson, G. S. 2000. Are the “nations” present in Matthew? *HTS Teologiese Studies / Theological Studies*, 56(4), 935–948.
- Malina, A. 2011. Kobiety w genealogii Jezusa Mt. 1, 1–17. *Verbum (ITB)*.
- Mazzalongo, M. 2015. *Matthew for beginners*. BibleTalk Books.
- Nolland, J. 2009. The four (five) women and other annotations in Matthew's genealogy. *New Testament Studies*, 43(4), 527–539.
- Rose, M. 2019. Holy mothers of God: Sex work, inheritance, and the women of Jesus' genealogy. *Theology and Sexuality*, 25, 1–20.
- Shin, I. 2014. Women's stories implying aspects of anti-Judaism with Christological depiction in Matthew. *HTS Theological Studies*, 70(1), 1–9.
- Sinaga, J. 2022. The Jesus genealogy controversy reveals the secret of the salvation plan. *Quaerens*, 4(2), 148–166.
- Smit, P. B. 2010. Something about Mary? Remarks about the five women in the Matthean genealogy. *New Testament Studies*, 56(2), 197–215.
- Weren, W. J. C. 1997. The five women in Matthew's genealogy. *The Catholic Biblical Quarterly*, 59(2), 288–305.